

حکم تربیت اعتقادی زوجین به صورت متقابل با رویکرد فقه تربیتی *

□ حسن اسلام‌پور کریمی **

□ ام‌البنین صیدانلو ***

چکیده

وضعیت تعهدپذیری زن و شوهر نسبت به تربیت یکدیگر در عرصه اعتقادی که برای سایر ساحت‌های تربیتی سرنوشت‌ساز است و غفلت از آن که آسیب‌های جدی را در سطح میدانی به وجود آورده است، امروزه باید یکی از اولویت‌های متولیان تربیت و سبک زندگی اسلامی باشد. این مقاله، با روش توصیفی - تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر از قبیل ادله قرآنی، روایی و عقلی، درصدد کشف نگاه فقه تربیتی به این مسئله تربیتی است. بررسی‌های انجام‌شده، حاکی از آن است که با قرائن موجود در آیات و روایات مرتبط با این مسئله، حکم تربیت در ساحت اعتقادات واجب، وجوب است و ظاهر ادله اجازه نمی‌دهند که در عرصه عقاید مستحب، وجوب را قائل شویم. بنابراین انصراف ادله به واجبات است؛ اما بعضی از ادله عام از قبیل «قاعدۀ دفع ضرر»، «اعانه بر بر» و «قاعدۀ هدایت»، بر لزوم تربیت اعتقادی دلالت می‌کنند.

کلیدواژه‌ها: ارشاد جاهل، قاعدۀ هدایت، ساحت تربیتی، حقوق همسران، تعلیم و تربیت، تربیت دینی، عقاید اسلامی.

* تاریخ وصول: ۱۴۰۱/۱/۲۲؛ تاریخ تصویب: ۱۴۰۱/۱۲/۱۰.

** گروه معارف اسلامی، دانشگاه شهید محلاتی قم، ایران، قم: (eslampur88@gmail.com).

*** استاد حوزه علمیه، مدرسه علمیه شهید مطهری تنکابن، ایران، تنکابن (نویسنده مسئول):

(sidanlo1396@gmail.com).

مقدمه

بدون شک، از اساسی‌ترین نیازهای زندگی بشر، تربیت است که به صورت استعداد‌های بالقوه در انسان وجود دارد. یکی از اقسام تربیت دینی، تربیت اعتقادی است؛ یعنی مجموعه اقداماتی که مربی برای شکل‌دهی باورها و پذیرش قلبی و التزام درونی در متری انجام می‌دهد. به سبب اصالت باورها و اعتقادات در وجود انسان و اصالت آنها در میان آموزه‌های دینی، تربیت اعتقادی را می‌توان مهم‌ترین انواع تربیت دانست. در تربیت انسان، نهادهای مختلفی تأثیر دارند که خانواده شایسته‌ترین کانون برای شکوفایی اعتقادات است. زوجین نیز اصلی‌ترین رکن خانواده را تشکیل می‌دهند که می‌توانند نقش زیادی در تربیت یکدیگر داشته باشند. خداوند در آیه ۶ سوره تحریم، «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» به انسان امر کرده تا اهل خود را از آتش جهنم حفظ کند؛ در واقع، خداوند انسان را مسئول تربیت اهل خویش کرده است. از سوی دیگر، فقه‌الترتیبیه که بخشی از دانش فقه است، به تعیین حکم رفتارهای مریبان و متریبان و بررسی موضوعات تربیتی از نگاه اجتهادی و فقهی می‌پردازد و نتیجه آن، گزاره‌های فقهی در زمینه تربیت است. (اعرافی، ۱۳۸۸). از این رو، تحقیق حاضر عهده‌دار پاسخ‌گویی به این سؤال است که: حکم تربیت اعتقادی زوجین به صورت متقابل با رویکرد فقه تربیتی چیست؟

حل این مسئله از این جهت مهم است که زوجین اگر بدانند خداوند در مورد مسئولیت تربیتی آنها حکمی دارد و آنها را به شکوفایی تربیتی‌شان مکلف کرده است، توجه آنها به این امر بیشتر می‌شود؛ در این صورت، بسیاری از مشکلات روانی حاصل از تنش‌های زندگی روزمره توسط یک خانواده سالم و به‌هنجار کاسته خواهد شد. امروزه، در جامعه مشاهده می‌شود که بعضی از زنان یا مردان بعد از ازدواج، نسبت به ارتقای باورهای اعتقادی در شریک زندگی خود غفلت دارند. از این رو، غفلت از تبیین حکم تربیت اعتقادی زوجین نسبت به یکدیگر ممکن است پیامدهای غیرقابل‌جبرانی را به دنبال داشته باشد.

پیشینه

از نظر پیشینه، به صورت عام و در مباحث اخلاقی و تربیتی به وظایف زن و شوهر پرداخته شده است. در مورد تربیت اعتقادی، اعرافی و همکاران (۱۳۹۲) در مقاله‌ای با عنوان «تربیت اعتقادی فرزندان از نظر فقه» با ادله گوناگون، حکم و جوب و حدود تربیت اعتقادی فرزند را بر والدین ثابت کردند. داوودی (۱۳۸۸) در تحقیقی به نام «تأملی در هدف تربیت اعتقادی» ماهیت ایمان را در معنایی مترادف با عقیده می‌داند که چیزی جز پذیرش قلبی نیست. همین تصدیق و پذیرش قلبی، سه مؤلفه دارد: شناخت، پذیرش قلبی و محبت. ایمان مراتب و درجاتی دارد که ناشی از شدت و ضعف مؤلفه‌های آن است. همچنین فقیهی (۱۳۹۲) در بخشی از مقاله «نگاه تربیتی به روابط عاطفی زوجین در آموزه‌های دینی»، به صورت خیلی کوتاه، به نقش تربیتی همسران نسبت به یکدیگر اشاره کرده که باید زمینه هدایت یکدیگر را فراهم کنند؛ اما به صورت خاص نوشته‌ای در مورد زوجین که حکم فقهی آن را تبیین کند، مشاهده نشده است. بنابراین در مورد وظیفه‌مندی همسران نسبت به یکدیگر در تربیت اعتقادی، پژوهشی صورت نگرفته است.

این تحقیق با روش فقهی و مبتنی بر منابع معتبر تربیتی، اعتقادی و فقهی، به دنبال اثبات وظیفه‌مندی زوجین نسبت به یکدیگر و حکم فقهی آن است.

مفهوم‌شناسی

تربیت

«تربیت» مصدر باب «تفعیل» از ماده «رَبَّوْا»، به معنای زیاد کردن، رشد دادن یا وسیله رشد را فراهم نمودن است. (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۲۸۳/۸؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۴۰۱/۱؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۴۰/۱) نیز به معنای پاک گرداندن هم به کار رفته است (شروتی، ۱۴۰۳: ۳۸۶/۱)؛ اما تربیت از ریشه «رَبَّبَ» در معانی اصلاح (واسطی، ۱۴۱۴: ۶/۲)؛ حضانت (همان: ۲۵۷/۸)؛ سرپرستی، مراعات و حفظ (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۰۱/۱) خلق و ایجاد و تکامل‌بخشی تدریجی آن (راغب

اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷۷) سوق به سوی کمال معنوی است (مصطفوی، ۱۴۲۶: ۴/ ۳۵) آنچه از معانی لغوی استفاده می‌شود، در مفهوم تربیت، تغییر و تحول تدریجی است. تربیت در اصطلاح: راغب اصفهانی بر آن است که: «تربیت، دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آنگاه که به انجامی که آن را سزد برسد.» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۸۴) و بیضاوی، تربیت را «به کمال رساندن و ارزنده ساختن اندک اندک هر چیز» دانسته است. (بیضاوی، ۱۴۰۸: ۱۰/۱) استاد مطهری رحمته الله علیه تعریف تربیت را این گونه بیان می‌دارد: «تربیت عبارت است از پرورش دادن، یعنی استعدادها و درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن.» (مطهری، ۱۳۸۳: ۵۵۱/۲۲) استاد اعرافی در تعریف تربیت می‌نویسد: «فرایند کمک و یاری‌رسانی به مرتبی برای ایجاد تغییر تدریجی در گستره زمان در یکی از ساحت‌های بدنی، ذهنی، روحی و رفتاری او؛ که به واسطه عامل انسانی دیگر به منظور دستیابی وی به کمال انسانی و شکوفاسازی استعدادها و یا بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای او است. (اعرافی، ۱۳۹۱: ۱۴۱/۱) تعریف تربیت از نظر استاد اعرافی مورد پسند است؛ زیرا نسبت به تعاریف دیگر کامل‌تر است و همه جوانب در نظر گرفته شده است.

عقیده

«عقیده» از ریشه «عقد» (فیومی، ۱۴۱۴: ۴۲۱) در لغت به معنای دینی است که انسان به آن اعتقاد دارد (حمیری، ۱۴۲۰: ۴۶۶۲/۷) و یا آن چیزی که انسان در دل قرار می‌دهد. (زمخشری، ۱۳۸۶: ۲۳۴) «اعتقد» به معنای سخت و شدید است (فراهیدی، ۱۴۱۰: ۱۴۰/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴: ۲۹۹/۳) مشتقات دیگر آن مانند عقده نیز در همین معنا به کار می‌روند. به آنچه تصدیق شده و قلباً باور شده نیز «اعتقاد» گفته می‌شود. به گرویدن، یقین کردن، تصدیق کردن، عقد قلب و دل بر چیزی بستن و بدان ایمان آوردن، همچنین در معنای مشهور به تصدیق جزمی ذهن نیز اطلاق می‌شود. (دهخدا، ۱۳۳۸: ۲۹۴۲/۷)

اعتقادات در تقسیم‌بندی‌های رایج از اسلام، قسیم اخلاقیات و اعمال عبادی قرار می‌گیرد.

اصطلاح «اصول دین» نیز به صورت دقیق، ناظر به بخش اعتقادات دین است. توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد متعلقات اعتقادات در مذهب شیعه است (فیض کاشانی، ۱۴۰۳: ۱۸۷؛ آقابزرگ تهرانی، ۱۳۵۵: ۱۸/۲) منظور از اعتقاد در این نوشتار، باور قلبی به اصول دین است.

تربیت اعتقادی

«تربیت اعتقادی»، مهم‌ترین رکن تربیت دینی است؛ زیرا تدین بدون اعتقاد به عقاید بنیادین دینی معنایی نخواهد داشت. هدف تربیت اعتقادی، پرورش ایمان و اعتقاد به آموزه‌های بنیادین دین است. از سوی دیگر، خود اعتقاد سه مؤلفه دارد که عبارت است از: «شناخت، پذیرش و محبت؛ بنابراین تربیت اعتقادی نیز همین سه مؤلفه را خواهد داشت. مؤلفه نخست هدف تربیت اعتقادی، شناخت است؛ بدین معنا که متربی باید شناخت کافی درباره آموزه‌های بنیادین، مانند خدا، صفات خدا، نبوت، امامت و معاد داشته باشد؛ زیرا بدون شناخت، ایمان و اعتقادی نیز حاصل نخواهد شد و اگر حاصل شود، تقلیدی خواهد بود و پایدار نیست. مؤلفه دوم تربیت اعتقادی، پذیرش است. ایمان و عقیده غیر از شناخت است. مؤلفه سوم، محبت و علاقه است. اگر کسی خدا را بشناسد، صفات او را بشناسد و در برابر این شناخت تسلیم شود؛ یعنی وجود و صفات خدا را بپذیرد تا زمانی که جرقه‌ای از محبت و علاقه در دل او نسبت به خداوند روشن نشده باشد، به مرحله ایمان قلبی نرسیده است.» (داوودی، ۱۳۸۸: ۵۶) بنابراین وقتی گفته می‌شود که هدف تربیت اعتقادی فراهم کردن زمینه برای پرورش ایمان و اعتقاد به آموزه‌های بنیادین دینی است، منظور این است که برنامه تربیتی دینی باید به‌گونه‌ای تدوین شود که متربی بتواند در مرحله اول خدای عزوجل، پیامبر ﷺ، ائمه اهل بیت و معاد را بشناسد؛ در مرحله بعدی آنها را بپذیرد و دست آخر، نسبت به آنها علاقه و محبت پیدا کند.

تربیت اعتقادی از نظر استاد اعرافی عبارت است از: مجموعه اقداماتی که مربی برای شکل‌دهی نظام باورها، اقیانوس فکری و پذیرش قلبی و التزام درونی در مربی انجام می‌دهد

(اعرافی، ۱۳۹۲: ۴۹).

بر اساس آنچه گفته شد، تربیت اعتقادی را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: فرآیندی که به ایجاد و تعمیق باورهای اعتقادی اسلام یعنی شناخت و باور به وجود خداوند، پیامبران، امامت و معاد در مخاطبان و شکوفایی و به کامل رساندن آنها می‌انجامد.

دلایل ثبوت تربیت اعتقادی زوجین

ازدواج مبادرت به یک خدمت مقدس و پذیرش یک مسئولیت است که از رابطه میان دو جنس مخالف صورت می‌گیرد و با انعقاد قرارداد شرعی و قانونی تعهداتی را برای زوجین به وجود می‌آورد. زن و شوهر در سایه این وصلت مقدس می‌توانند به هدف‌های والای خود برسند. همان‌طور که پیامبر خدا ﷺ فرمودند:

«ما بُئِي فِي الْإِسْلَامِ بِنَاءٌ أَحَبَّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَعَزَّ مِنَ التَّزْوِيجِ؛ در اسلام هیچ بنایی ساخته نشد که نزد خداوند عَزَّوَجَلَّ محبوب‌تر و ارجمندتر از ازدواج باشد.»
(مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۲۲/۱۰۰)

آنها با پیوند هم، یک خانواده را تشکیل می‌دهند. خداوند نیز دستور داده است که افراد خانواده باید از نظر تربیتی از یکدیگر محافظت کنند. در بحث تربیتی، از آنجا که آیات و روایات، دلالت بر حفظ خانواده از معاصی شده، توجه عالمان را به سوی تربیت فرزندان برده است و رویکرد تربیتی نسبت به مسائل همسران کمرنگ شده است؛ درحالی‌که قبل از هر چیزی زوجین باید برای تکامل همدیگر تلاش کنند و این مسئولیت تربیتی را درست انجام دهند تا در سایه تکامل آنها فرزندان پاک تربیت شوند.

وَ بِإِسْنَادِهِ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ بْنِ فَضَالٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَسْبَاطٍ، عَنْ عَمِّهِ يَعْقُوبِ الْأَحْمَرِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: «أَتَى رَجُلٌ رَسُولَ اللَّهِ ص يَسْتَأْمِرُهُ فِي النِّكَاحِ، فَقَالَ: نَعَمْ انْكَحْ وَ عَلَيْكَ بِذَوَاتِ الدِّينِ تَرْبَتِ يَدَاكَ»؛ پیامبر اکرم می‌فرماید: «ازدواج کن و تو را سفارش می‌کنم که با زنان دین‌دار و باایمان ازدواج و به دست خود او را تربیت کنی.» (حرّ عاملی، ۱۴۰۹: ۲۱/۱۴)

مرحوم کلینی نیز از احمد بن محمد العاصمی از علی بن الحسن نیز همین گونه روایت کرده و صدر روایت را تا «تربت یداک» رها کرده است (کلینی، ۱۳۶۵: ۵۱۵/۴)

در سند حدیث فوق سه نفر وجود دارد: اول: علی بن الحسن بن فضال که شیخ طوسی در کتاب عدّه بنو فضال را توثیق نموده است (طوسی، ۱۴۱۷: ۱۴۹)؛ دوم: علی بن اسباط که نجاشی ایشان را موثق می‌داند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۱)؛ سوم: یعقوب الاحمر که ایشان نیز مورد توثیق نجاشی قرار گرفته است (نجاشی، ۱۳۶۵: ۴۴۸). کلمه باسناده که ابتدای سند آمده اشاره به طریق شیخ به علی بن فضال است که در طریق ایشان احمد بن عبدون و علی بن محمد بن زبیر آمده است که برای بررسی حال این دو شخصیت، کلام طولانی می‌شود؛ ولی به صورت خلاصه می‌توان گفت که بنا بر مبنای کسانی که بررسی طریق را لازم نمی‌دانند و یا طریق به کتب مشهوره را کافی می‌دانند، در اینجا روایت، معتبر و تمام است و بر فرض عدم پذیرش هیچ‌یک از این دو مبنا نیز از باب تسامح در ادله سنن، پذیرش روایت بدون اشکال است.

اصولاً همه آموزه‌های دینی برای تربیت انسان‌ها است؛ چون هدف محوری بعثت پیامبران و از جمله پیامبر اسلام، تزکیه و تعلیم است. (بقره: ۱۲۹ و ۱۵۱؛ آل عمران: ۱۶۴؛ جمعه: ۲) زن و شوهر که مهم‌ترین رکن خانواده هستند باید مراقب رفتار یکدیگر باشند و در تعالی همدیگر تلاش کنند. از نظر ایجاد باورها و اعتقادات دینی نیز در تربیت یکدیگر باید کوشا باشند. برای اثبات وظیفه‌مندی تربیت اعتقادی همسران ابتدا قواعد فقهی و سپس ادله قرآنی و روایی را در این قسمت از پژوهش مورد بررسی قرار می‌دهیم.

قواعد فقهی

در اثبات اینکه زن و شوهر در تربیت اعتقادی یکدیگر مکلف هستند، علاوه بر آیات که بعضی از آنان بیانگر برخی قاعده‌های فقهی هم هستند، قواعد دیگری نیز برای این منظور وجود دارد که در اینجا این قواعد را مورد مذاقه قرار می‌دهیم.

۱. قاعده هدایت

هدایت بالمعنی الاعم، همه مخلوقات خداوند را شامل می‌گردد. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱/ ۳۴) پس هسته مرکزی معنای هدایت، «راهنمایی و نشان دادن راه» است. بر اساس معنای هدایت، قاعده هدایت را می‌توان این‌گونه تعریف کرد: «قاعده هدایت بر دو معنا دلالت دارد:

۱. معنای عام؛ شامل مطلق آگاهی دادن و خروج شخص از جهل و غفلت؛
 ۲. معنای خاص؛ مجموعه فعالیت‌ها و اقدامات تربیتی خاص که بعد از آگاهی فرد باید انجام گیرد؛ با این هدف که فرد بدان آگاهی‌ها، التزام قلبی پیدا کند، خلیات روحی و درونی در او ایجاد و رفتارهای دینی در او نمایان شود (اعرافی و همکاران، ۱۴۰۰: ۲۷۸).
- بر اساس آیه ۱۰۴ از سوره آل‌عمران که معروف به آیه دعوت است، ظاهر عبارت «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ» این است که دعوت، معنای عام و بیشتر در فراخواندن، ظهور دارد (ابن‌فارس، ۱۴۳۰: ۲/ ۲۷۹) تا مخاطب را به سوی هدف متوجه و بدان ملتزم سازد؛ اما در مواردی که شخص جاهل است، مقدمه دعوت، آگاهی دادن است؛ پس دعوت، اقدامی تربیتی به معنای خاص است که در مرتبه انگیزه لازم برای انجام کاری را ایجاد می‌کند که اگر نسبت به آن کار آگاه نباشد، آگاهی بخشی مقدمه دعوت است. در این آیه، می‌فرماید: «وَلَتَكُنَّ مِنْكُمْ أُمَّةٌ» لام «وَلَتَكُنَّ» لام امر است و دلالت بر وجوب دارد؛ از این رو، واجب است در هر عصر و زمانی میان مؤمنین جماعتی باشند و «أُمَّةٌ» از ماده «أم» به معنی قصد و در قرآن مجید و در زبان عربی اطلاقات زیادی بالغ بر هشت معنی دارد که دو مورد آن، بمعنی الجماعة مثل همین آیه و اتباع انبیاء مثل امة موسی امة عیسی امة محمد ﷺ (طیب، ۱۳۷۸: ۴/ ۳۰۷) ثقفی تهرانی در تفسیر این آیه می‌گوید: «امت به معنی جماعت است اگرچه گاهی اطلاق بر شخص هم می‌شود؛ ولی اینجا مراد نیست برای عود ضمیر جمع به آن و خیر هر کار خوبی است و آنچه صلاح دین و دنیا باشد و البته فرد اکمل اسلام است.» (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸: ۱/ ۴۷۳). پس وظیفه هدایت و دعوت به‌طور مستقل بر عهده گروهی از امت اسلامی قرار داده شده است.

اطلاق دعوت به خیر، شامل اقدامات هدایت‌گرانه مربیان و معلمان نیز می‌شود؛ از این رو: آیه یادشده، وجوب هدایت‌گری معلم هم در حوزه تعلیم و انتقال داده‌های آموزشی و هم در حوزه تربیت و هدایت‌گری، قابل استنباط است. در مورد زن و شوهر هر کدام در مواردی که علم به احکام ندارد، آگاهی دادن، مقدمه هدایت شمرده می‌شود. همچنین آیه ۳۳ فصلت که معروف به «قول احسن» است، دلالت دارد بر این که مسلمانان باید با گفتاری نیکو یکدیگر را به کار خیر دعوت کنند. در خانواده نیز این روش کاربرد دارد. به هر حال، هر یک از همسران، جزئی از جماعت مسلمانان هستند که در دعوت به معروف نسبت به یکدیگر وظیفه دارند. بنابراین بر مبنای آیه دعوت، در واجبات و محرمات، هدایت واجب است و بر اساس آیه قول احسن، هدایت رجحان مطلق دارد.

۲. قاعده ارشاد جاهل

قاعده دیگری که می‌توان در تأیید تربیت اعتقادی زن و شوهر نسبت به یکدیگر مطرح کرد، قاعده ارشاد جاهل است. رشد در لغت به معنای هدایت یافتن و ارشاد به معنای هدایت کردن است (طریحی، ۱۴۱۶: ۵۰/۳).

هر انسانی وظیفه دارد برای ارشاد دیگران قدم بردارد که وجوب ارشاد جاهل را می‌توان از آیات «نفر»، «سؤال» و «کتمان» به دست آورد. آیه دعوت نیز دایره عامی دارد و شامل اعلام به مکلف و تعلیم او و تذکر به ناسی یا غافل همگی را شامل می‌شود. قدر متیقن از وجوب دعوت به خیر در این آیه، دعوت و ارشاد به فعل واجب و ترک محرمات و محدوده الزامیات است. هر چند واژه خیر مطلق بوده و شامل همه اموری می‌شود که به نحوی در سعادت و نیکی بشر دخیل هستند و به عبارت دیگر شامل انجام دادن مستحبات و ترک مکروهات نیز می‌شود؛ اما امر وجوبی به دعوت تعلق گرفته است و قطعاً دعوت به انجام دادن امور مستحب و ترک مکروهات واجب نیست (اعرافی، ۱۳۹۱).

یکی از مسائلی که نقش این قاعده در آن پررنگ است، حوزه خانواده و تربیت فرزندان

است. برخی فقها تعلیم احکام به زوجه را بر زوج، حتی بدون طلب زوجه واجب می‌دانند (خویی، ۱۴۱۶: ۳۲۰/۱). فقها در وجوب ارشاد جاهل در احکام، اتفاق نظر دارند و ارشاد مردم به معارف الهی و تعلیم اصول عقیده و مسائل شرعی به جاهل را واجب می‌دانند (شاهرودی، ۱۳۸۱: ۱۰/۱۰۵). در مورد زن و شوهر، هیچ چیز به اندازه عقاید بر الگوهای رفتار زوجیت مؤثر نیست. هر کس بر اساس باورهای ذهنی خویش رفتار می‌کند و متناسب با آن شخصیت‌ها شکل می‌گیرد. ارزش‌ها و ضدارزش‌ها همه ناشی از اعتقادات فرد است و طبیعی است که این‌گونه اختلافات بسیار ویرانگر است. بنابراین هر یک از زوجین وظیفه دارند نسبت به یکدیگر در مورد اعتقادات، احساس مسئولیت کرده، برای ارشاد همدیگر تلاش کنند تا در کنار هم و با تعلیم و تربیت درست یکدیگر، به کمال واقعی دست یابند.

۳. قاعده امر و نهی

یکی از معیارها و شاخص‌های مسئولیت افراد نسبت به یکدیگر، امر به معروف و نهی از منکر است؛ «... يَا مُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...» (توبه: ۱۷). دستور امر به معروف و نهی از منکر، یک دستور عام است که همه مسلمین نسبت به یکدیگر مسئولیت دارند؛ ولی از آیات قرآن و روایاتی که درباره حقوق فرزند و مانند آن در منابع اسلامی وارد شده، به خوبی استفاده می‌شود که: «انسان در مقابل همسر و فرزند خویش، مسئولیت سنگین‌تری دارد و موظف است تا آنجا که می‌تواند، در تعلیم و تربیت آنها بکوشد؛ آنها را از گناه بازدارد و به نیکی‌ها دعوت نماید؛ نه این که تنها به تغذیه جسم آنها قناعت کند. در حقیقت، اجتماع بزرگ از واحدهای کوچکی تشکیل می‌شود که «خانواده» نام دارد و هرگاه این واحدهای کوچک که رسیدگی به آن آسان‌تر است اصلاح گردد، کل جامعه اصلاح می‌شود.» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۷: ۱/۱۷۰) به خصوص در عصر ما که امواج کوبنده فساد در بیرون خانواده‌ها بسیار قوی و خطرناک است، برای خنثی کردن آنها از طریق تعلیم و تربیت خانوادگی، باید برنامه‌ریزی اساسی‌تر و دقیق‌تری انجام گیرد. نه تنها آتش‌های قیامت که آتش‌های دنیا نیز از

درون وجود انسان‌ها سرچشمه می‌گیرد و هر کس موظف است خانواده خود را از این آتش‌ها حفظ کند.

شایان توجه این که حق نظارت و پاسداری از حریم خانواده تنها متوجه مرد نیست؛ بلکه زن نیز حق نگهداری دارد؛ هم نسبت به مرد و هم نسبت به سایر اعضای خانواده: «وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ؛ (توبه: ۷۱) مردان و زنان باایمان، ولیّ (ویار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند. بر پایه این آیه، زن حق دارد از انحراف شوهرش جلوگیری کند و در امر اخلاق و دین‌داری به او کمک کند. همچنین زن و شوهر باید یکدیگر را به تقوای الهی توصیه کنند و تقوای الهی تحقق پیدا نمی‌کند، مگر اینکه نسبت به اعتقادات یکدیگر توجه داشته باشند و به تربیت اعتقادی همدیگر پردازند.

ادله قرآنی

دلیل بعدی برای اثبات تربیت اعتقادی زوجین نسبت به یکدیگر، دلایل قرآنی است که در ادامه بیان می‌شود.

۱. آیه صیانت

اولین دلیل آیه صیانت است که خداوند در این آیه می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ» (تحریم: ۶) ای کسانی که ایمان آورده‌اید خود و خانواده خویش را از آتشی که هیضم آن انسان‌ها و سنگ‌هاست نگه دارید.»

«قوا»: ابن‌اثیر می‌گوید: واژه «قوا» فعل امر از «وقی»، به معنای بازداشتن و نگه‌داشتن از چیزی است. (۱۳۹۹ ق: ۲۱۷/۵). «وقایه» در لغت به معنای حفظ و منع است. (ابن‌منظور، ۱۴۱۴: ۴۰۱/۱۵) و در اصطلاح قرآنی، به همان معنای لغوی است. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۳۰) مخاطب «قوا» مؤمنان هستند که بر اساس دلالت صیغه امر بر وجوب، لازم است خود و اهل خود را از آزار و اذیتی که در ادامه آیه ذکر شده «نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا

مَلَائِكَةٌ غِلَاطٌ شِدَادًا» حفظ کنند. از این رو، یکی از واجبات الهی، حفظ خود و اهل خویش از عذاب جهنم است و هر مؤمنی باید بر انجام این واجب الهی اقدام نماید.

«اهل»: در مورد اهل و گستره آن تحقیقات زیادی انجام شده است که اهل را شامل والدین، فرزندان، نوه‌ها و اجداد می‌دانند. (اعرافی و موسوی، ۱۳۹۲) همچنین معتقدند که اهل مرد، همسر اوست و تأهل یعنی ازدواج. همچنین اهل مرد نزدیک‌ترین افراد به او هستند و اهل بیت ساکنان خانه هستند. (مؤمنی و کلباسی، ۱۳۹۶)

از طرفی «قوا» به عنوان فعل امر ظهور در وجوب دارد. بنابراین حفظ و صیانت از آتش، واجب است و تربیت به صورت غیر مستقیم در اهل لازم است؛ زیرا تربیت زمینه صیانت از آتش است. تربیت زوجین، واجب است و فقط در حد حق و تکلیف نیست؛ بلکه فراتر از آن است. روایت در این مورد است که:

«وَعَنْهُمْ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ عُثْمَانَ بْنِ عِيسَى عَنْ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا - قُلْتُ كَيْفَ أَقْبَهُمْ - قَالَ تَأْمُرُهُمْ بِمَا أَمَرَ اللَّهُ - وَ تَنْهَاهُمْ عَمَّا نَهَاَهُمُ اللَّهُ - فَإِنْ أَطَاعُوكَ كُنْتَ قَدْ وَقَيْتَهُمْ - وَإِنْ عَصَوْكَ كُنْتَ قَدْ قَضَيْتَ مَا عَلَيْكَ.» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۴۱۷/۱۱) ابوبصیر می‌گوید از امام صادق علیه السلام در مورد آیه شریفه (تحریم: ۶) پرسیدم که چگونه اهل خویش را از آتش جهنم نگه دارم؟ حضرت فرمود: «آنها را به آنچه خدا امر کرده است، امر می‌کنی و آنچه خدا نهی کرده است، نهی می‌کنی. اگر پذیرفتند، آنها را نگه داشته‌ای و اگر نافرمانی تو را کردند، تو به تکلیف خود عمل کرده‌ای.»

این روایت که در آن به غیر از «عدة من اصحابنا» که محل خدشه نیست، احمد بن محمد بن خالد برقی که از عثمان بن عیسی نقل می‌کند و ایشان از سماعة بن مهران و سماعة از ابابصیر، در این روایت همه روات از اجلاء هستند ولی آنچه باعث می‌شود روایت از اضمار خارج شود چند نکته است که مجموع این قرائن اطمینان به صدور روایت از معصوم علیه السلام را به دنبال دارد: الف) راوی از ابابصیر، سماعة بن مهران است که نجاشی در مورد ایشان می‌فرماید: «ثقة ثقة» (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۹۴) و چنین شخصیتی بعید است روایتی را از ابابصیر

نقل کند که ایشان آن را از فردی غیر معصوم نقل کرده باشد؛ ب) خود ابابصیر که از بزرگان فقه و از اصحاب ائمه است از غیر معصوم نقل نمی‌کند؛ ج) نظیر این روایت در همین باب که در کافی آمده است، برخی روایات دیگر از طریق ابابصیر و از امام صادق علیه السلام نقل شده که گمان به صدور این روایت را از امام صادق تقویت می‌نماید؛ د) از برخی فقها مانند مرحوم نائینی نقل شده است که ایشان فرمودند مناقشه در مورد اسناد روایات کافی کار عاجزان بوده است و نظیر این کلمات از برخی بزرگان وجود دارد که همه این قرائن حاکی از مسند بودن روایت ابابصیر است (خویی، ۱۴۱۳: ۹۹).

آقای اعرافی در مورد آیه شریفه «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا» بیان می‌دارد: وقایه نسبت به انفس و اهل تفاوت دارد. مراد از وقایه به نسبت نفس، انجام واجبات و ترک محرمات که دارای وسعت است و شامل اعتقادات و اخلاق نیز می‌شود. در «قُوا نَارًا» یعنی همان کارهای خوب را انجام دهید و کارهای بد را انجام ندهید؛ اما برای غیر یعنی مقدماتی که آن‌ها را به سمت خیرات ببرند و مقدماتی که آن‌ها را از معاصی دور بدارند را انجام دهید. با همین تحلیل‌ها و ارتکازات عرفی، امر دوم یعنی «قُوا أَهْلِيكُمْ نَارًا» آمده روی مقدماتی که آنچه او را اهل طاعت و ترک معاصی می‌کند انجام بدهد.» (اعرافی، ۱۳۸۶) بر اساس آیه صیانت، وجوب حفظ اهل از آتش جهنم دریافت می‌شود که با فراهم کردن مقدمات و زمینه‌سازی باید آنها را از عذاب الهی صیانت کرد. این وقایه که وقایه تربیتی و خودسازی است نسبت به نفس، خودسازی و تهذیب و نسبت به اهل، تربیت است یعنی فعالیت‌های تربیتی کند. این فعالیت‌ها می‌تواند در زمینه‌های گوناگونی باشد که یکی از آن‌ها، فعالیت در آموزش و تربیت اعتقادات و ایجاد میل در باورهای دینی است.

بنابراین بر اساس این آیه شریفه، هر یک از همسران در رشد و تعمیق گرایش‌ها و اعتقادات اسلامی یکدیگر وظیفه دارند.

۲. آیه انذار

آنجا که خداوند به رسول اکرم ﷺ می‌فرماید: «وَ أَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ» (شعراء: ۲۱۴) نزدیک‌ترین بستگان را هشدار ده» خداوند با صیغه امر «انذر» بر پیامبر واجب کرد که خویشان خود را هشدار دهد سپس، پیامبر اکرم ﷺ در آن شب که خویشان را دعوت کردند، ابتدا حمد و سپاس خدا گفتند و آنها را به توحید دعوت کردند و از عاقبت کار ترساندند و سپس بحث جانشینی خود را که همان امامت است و جزء اعتقادات ماست را مطرح کردند. (طبری، [بی‌تا]، ۲/۲۱۷) این موارد خود دلیل بر این است که انسان باید اعتقادات ضروری دین را به خانواده و نزدیکانش گوشزد کند. از اینکه خداوند به پیامبر دستور می‌دهد که به خانواده هشدار بده در واقع، این وظیفه مهم هشدار دادن اعضای خانواده نسبت به یکدیگر را برای همه مسلمانان قرار داده است و این امر از نظر شأن نزول، خطابش به پیامبر اکرم ﷺ است؛ اما می‌تواند شامل دیگر مسلمانان نیز بشود؛ چون روش خداوند این‌گونه است که می‌خواهد دیگران نیز از سیره پیامبر اکرم ﷺ درس بگیرند. خداوند در آیه ۲۱ سوره احزاب فرمود: «لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا؛ مسلماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود، برای آنها که امید به رحمت خدا و روز رستاخیز دارند و خدا را بسیار یاد می‌کنند». گفتار، رفتار و سکوت معنادار پیامبر ﷺ است. مشخص می‌شود که ضوابطی وجود دارد که می‌شود با آن، این نوع سخن‌گفتن را مشق کرد. از سیره‌های قولی و شیوه‌های تبلیغی و ابلاغی قرآن، اصول تعلیم و تربیتی می‌توان استفاده کرد. با وجود تفاوت ظریفی که میان کار ما و آنها است از این‌ها استفاده رجحان هم می‌شود کرد، به یک شکلی امکان دارد سیره‌ها را کلی کرد و از آن استفاده کرد، در واقع، از این آیه برداشت می‌شود که معصوم همان‌طور که در اقوال، در مقام بیان شرع هستند، در رفتارها نیز، عالمانه و عامدانه یک اهدافی را پیگیری می‌کند برای اینکه تاسی مطلق در آیه ذکر شده است؛ اطلاق اسوه بودن، معنایش این است که می‌توان او را سرمشق خود کرد و قابل تعمیم باشد.

یکی از روش‌های عملی پیامبر اکرم ﷺ در ارتباط با همسران، دعوت آنان به معروف و بازداشتن آنان از بدی‌ها بود. ایشان در عین حال که رسالتشان جهانی بود، ولی دعوت خود را از نزدیکان خود آغاز کرد، در ادامه نهضت نیز به رفتار نزدیکان، به ویژه همسرانش نظارت داشته و در صورت لزوم به آنان تذکر می‌داد. موارد گوناگونی که پیامبر همسرانش را در معارف دینی تذکر می‌داد در کتاب‌هایی روایی وجود دارد که می‌تواند سرمشقی برای دیگران باشد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۲۵۸/۱۶؛ حلی، ۱۴۲۹: ۳)

۳. آیه اعانه

آیه بعدی «تعاونوا علی البرّ والتقوی» است. این آیه می‌تواند مستندی بر قاعده اعانه بر برّ، باشد. اعانه به معنای کمک به دیگری و یاری او در انجام فعل است. (حمیری، ۱۴۲۰: ۴۸۳۶/۷) شیخ انصاری در کتاب مکاسب اعانه را به قصد حصول فعل برای غیر دانسته است. (شیخ انصاری، ۱۴۱۵: ۱۳۲/۱)

اعرافی معتقد است: «بین ظهور صیغه امر و اطلاق متعلق آن، تعارض وجود دارد؛ زیرا صیغه امر (تعاونوا) مانند سایر اوامر، ظهور در وجوب دارد. از طرف دیگر استعمال واژه «برّ» به معنای خیر، اختصاص به واجبات ندارد و بر مستحبات نیز اطلاق شده است. بنابراین دو احتمال وجود دارد: ۱- اخذ ظهور صیغه در وجوب و صرف نظر از اطلاق دلیل؛ ۲- پذیرش اطلاق دلیل و عدم اخذ ظهور ایجابی صیغه امر؛ در نتیجه آیه دلالت بر وجوب اعانه در برخی واجبات و عدم وجوب آن در سایر واجبات و نیز مستحبات دارد. بررسی دو احتمال: فقط ظهور اولیه صیغه امر در آیه، در وجوب اعانه بر برّ است؛ اما به واسطه دو وجه ذیل احتمال دوم اقواست. اولاً، ذیل آیه، برای فهم صدر آن، قرینه است؛ یعنی «البرّ والتقوی» که متعلق «تعاونوا» است و ذیل آن قرار دارد، به تعاون بر مستحبات اشاره دارد. ثانیاً، ظهور وجوبی صیغه، مبتنی بر حکم عقل است که دلیل لبی است و مادامی که قرینه برخلاف آن نباشد قابل قبول است؛ در حالی که ذیل آیه قرینه برخلاف آن است.» (اعرافی،

۱۳۹۳: ۲۷۴) در نتیجه، دست برداشتن از ظهور تعاونوا بر وجوب، اولی است. از سوی دیگر، عدم وجوب اعانه بر مستحبات (بجنوردی، ۱۴۰۱: ۳۵۹/۱) و شمول گسترده مفهوم خیر نیز قرینه عدم ظهور صیغه امر در وجوب است. به همین جهت از اطلاق متعلق صیغه امر و ظهور آن در وجوب صرف نظر کرده و اطلاق متعلق آن اخذ می‌شود. (خمینی، ۱۴۱۵: ۱/ ۱۹۷ و ۱۹۸؛ تبریزی، ۱۴۱۶: ۹۰/۱) بنابراین بر اساس آنچه از حکم فقهی مستفاد از آیه دوم سوره مائده که رجحان نسبت به تمام مصادیق اعانه درباره واجبات و مستحبات است را در مورد تربیت به جزئیات اعتقادات زوجین نیز می‌توان به کار برد و از آن استحباب را برداشت کرد.

از آنجایی که همسر در تلاش است تا باور به بعضی از مسائل و جزئیات اعتقادات را در وجود همسرش تقویت کند، ایشان قصد دارد در امور خیر همسرش را یاری کند. کبرای قضیه نیز امر به اعانه بوده است و این به ضمیمه حکم عقل که دلیل لبی است و برخلاف آن قرینه صارفه نداریم، می‌تواند وجوب را برساند.

۴. آیه دعوت

مورد بعدی: آیه دعوت است. خداوند می‌فرماید: «وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (آل عمران: ۱۰۴) باید از میان شما، جمعی دعوت به نیکی و امر به معروف و نهی از منکر کنند! و آنها همان رستگارانند». در ذیل این آیه در تفسیر اطیب البیان آمده است: «يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ اشاره به لزوم ارشاد و هدایت به دین از عقاید و اخلاق که شأن انبیا و ائمه و علما در هر عصر و زمانی است؛ و مراد از خیر جمیع خوبی‌ها است که در نظر عقل و شرع خوب باشد که يك قسمت مهمش دعوت به ترك قبايح و محرمات که بهترین خوبی‌هاست. اینکه کسانی که دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند هُمُ الْمُفْلِحُونَ تعبیر به کلمه (هم) برای تأکید است در فلاح اینها و فلاح به معنی رستگار و افلاح بمعنی رستگار شدن و مفلح اسم

حکم تربیت اعتقادی زوجین به صورت متقابل با رویکرد فقه تربیتی □ ۹۷

فاعل از باب افعال یعنی رستگارند. « (طیب، ۱۳۷۸ ش: ۳۰۸/۴) هر رفتار و عملی که در حقیقت این تأثیر هدایت‌گری و راهنمایی را در دیگران می‌گذارد، این هم دعوت الی الله است که هر زن و مردی فقط به فکر سعادت اخروی خودشان نباشند بلکه باید دیگران را هم با دعوت به خیر و نیکی تربیت کنند. البته بر اساس این آیه حتی رستگاری آنان درگرو هدایت دیگران است که خانواده در اولویت قرار دارند.

بنابراین برای این آیه صیانت و دعوت، در اعتقادات واجب دلالت دارد؛ یعنی اعتقاداتی که اگر او به آن ملتزم نشود، مسیرش مسیر نار و آتش جهنم است و ظاهر آن این است که اعتقاداتی را که واجب است، داشته باشد؛ ولی به هر حال با قرآنی که در این ادله وجود دارد، وجوب در حوزه اعتقادات واجب قرار می‌گیرد و نمی‌توانیم بگوییم که وجوب تربیت اعتقادی شامل مستحبات اعتقادی هم می‌شود و این خلاف ظاهر ادله است و انصراف ادله به واجبات است؛ یعنی تربیت اعتقادی در محدوده التزاماتی که الزامی است باید انجام گیرد. بعضی نیز اطلاق داشت و شامل مستحبات هم می‌شد.

ادله روایی

در راستای وظیفه‌مندی همسران در تربیت اعتقادی یکدیگر، می‌توان به ادله روایی استناد و استشهاد کرد. اولین روایت از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله است که فرمود:

«كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالْأَمِيرُ الَّذِي عَلَى النَّاسِ رَاعٍ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ عَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُمْ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ عَلَى أَهْلِ بَيْتِ بَعْلِهَا وَوَلَدِهَا وَهِيَ مَسْئُولَةٌ عَنْهُمْ وَالْعَبْدُ رَاعٍ عَلَى مَالِ سَيِّدِهِ وَهُوَ مَسْئُولٌ عَنْهُ إِلَّا فَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ» (ابن ابی فراس، ۱۴۱۰: ۶/۱) بدانید که همه شما مسئول هستید و نسبت به زیردستان خود بازخواست می‌شوید. فرمانروای مردم، مسئول مردم است و نسبت به زیردستانش بازخواست شود. مرد، سرپرست خانواده است و نسبت به آنان، بازخواست می‌شود. زن، مسئول خانه شوهر و فرزندان اوست و در برابر آنان، بازخواست می‌شود. برده، مسئول مال مالک خود است و در برابر آن، مسئول است. پس بدانید که همه شما مسئول هستید و همه‌تان در برابر زیردستان خود، بازخواست می‌شوید.»

این روایت گرچه در منابع کهن روایی وارد نشده است و همچنین به طور مسند از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نشده است ولی تمسک به این روایت در محل بحث، بدون منابع است به چند جهت: الف) این حدیث غیر از منابع شیعه، در برخی منابع روایی اهل سنت مثل صحیح مسلم و سنن ابی داود آمده است که خود، قرینه بر صدق حدیث و منسوب بودن آن به نبی مکرم اسلام است؛ ب) این روایت، ارشاد به حکم عقلی پذیرفته شده میان تمام عقلای عالم بر مسئولیت پذیری در قبال یکدیگر است. اگر چنین خبری را کسی قبول نکند، در شئون مختلف جامعه اختلال جدی به وجود می آورد. از همین رو، این امر قرینه‌ای بر صحت این روایت است.

«ألا» حرف هشدار، تنبه، آگاهی و فریاد بیدارباش است؛ یعنی بدانید و آگاه باشید. این حرف معمولاً در جایی می آید که عبارت پس از آن یا واقعیتی اساسی و یا ضرورتی حیاتی و یا اعلام خطری مهم و یا بشارت به خبری مهم و ارزشمند باشد. (جمشیدی، ۱۳۸۸) «کلکم»، خطاب عام است؛ یعنی همه پیروان آن حضرت را در برمی گیرد و حتی در عرصه جامعه جهانی نیز همه جهانیان را در برمی گیرد و هیچ استثنایی را نمی پذیرد.

راغب اصفهانی در کتاب المفردات می نویسد: «رعی» در اصل محافظت از دیگری است، یا از طریق تغذیه و پرورش او که حافظ زندگانی اش است و یا به حفظ و نگهداری او از دشمن» (راغب اصفهانی، ۱۴۰۴: ۱۹۸).

به تعبیر شهید صدر: «و این حقی است عمومی که همه باید به یکسان از آن استفاده کنند» (صدر، ۱۳۵۹: ۵۰) پیامبر رحمت صلی الله علیه و آله در این بخش از بیان خویش رعایت را با مسئولیت پیوند می دهد. بدین معنا که رعایت ذاتاً و فی نفسه در درون خود معنای مسئولیت و عنصر مسئولیت را داراست.

حضرت امام صادق علیه السلام در بیانی از امیرالمؤمنین علی علیه السلام سخن از راع بودن برای حقوق الهی که به معنای احساس مسئولیت نسبت به آن‌ها و مراعات و تلاش برای اجرای آن‌هاست، به میان می آورد:

«وَكُنْ حَافِظًا لِمَا اتَّمَنْتَكَ عَلَيْهِ رَاعِيًا لِحَقِّ اللَّهِ فِيهِ؛ و نگهبان و حافظ هر آنچه به عنوان

حکم تربیت اعتقادی زوجین به صورت متقابل با رویکرد فقه تربیتی □ ۹۹

امانت در دست توست، باش و نیز نگهبان و تحقق بخش (راعی) حق الهی در مورد آن باش» (کلینی، ۱۳۶۵: ۳/۵۳۷)

این روایت از جهت علوّ اعتبار دارد؛ چون رجال واقع در سند گرچه نسبت به برخی توثیق صریح وجود ندارد ولی همگی از اجلاء و وجوه شیعه اند و برخی در زمره اصحاب اجماع هستند. از همین رو، بدون هیچ خدشه‌ای این روایت صحیح بلکه در غایت صحت و اعتبار است.

در سند این روایت نام چند شخصیت به چشم می‌خورد که یکی از آنها علی بن ابراهیم است که نجاشی از ایشان با جلالت یاد می‌کند (نجاشی، ۱۳۶۵: ۲۵۹) و دیگری حماد بن عیسی و برید بن معاویه که به فرموده کسی این دو از اصحاب اجماع هستند (طوسی، ۱۴۰۱: ۵۰۶ و ۶۷۲) همچنین حریر بن عبدالله سجستانی که مرحوم شیخ طوسی در فهرست ایشان را توثیق نموده است (طوسی، ۱۴۱۷: ص ۶۲) تنها کسی که توثیق صریح ندارد ابراهیم بن هاشم است که روایات ایشان نیز مورد پذیرش فقها قرار گرفته چون به تعبیر نجاشی او اولین کسی بود که احادیث کوفیون را در قم انتشار داد (نجاشی، ۱۳۶۵: ۱۵) و نیز غالب روایات علی بن ابراهیم از طریق ایشان رسیده که خود قرینه دیگری بر وثاقت این شخصیت است. در نتیجه، روایت از جهت سند معتبر خواهد بود.

دومین روایت از امام علی علیه السلام است که می‌فرمایند:

«عَلِّمُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ الْحَيْرَ وَ آدْبُوهُمْ»؛ به خود و خانواده‌تان خیر بیاموزید و آنان را ادب کنید. (مراغی، [ابی تا]، ۱۶۲/۲۸)

همچنین

عن علی بن ابی طالب رضی الله عنه عن ابن عباس، قال: «أمرنا أهلنا بالذکر ینجکم من النار». عن ابن عباس، قال: «أدبوا—أهلنا»؛ و عن مجاهد ... قال: «أوصوا أهلنا بتقوی الله»؛ و عن قتادة ... قال: «مروهم بطاعة الله و انهوهم عن معصية الله» به آنان، چیزهایی را بیاموزید که به وسیله آن از آتش نجات یابند» (شهید ثانی، ۱۴۰۹: ۳۸۰).

این روایت با تعبیر مختلف از راویان گوناگون بیان شد. شهید ثانی پس از نقل این روایت می‌فرماید: «اگر یادگیری بعضی از واجبات، متوقف بر اشتغال به این واجبات پیش از بلوغ باشد، بر ولی واجب است که آنها را پیش از بلوغ فرزندش از باب امور حسبیه به او بیاموزد، بلکه امر مطلق اهل به آنچه ایشان را از آتش نجات بخشد در روایات وارد شده است.» (همان). فرمایش شهید از دو جهت مهم است: اول آنکه ایشان که فقیهی بزرگ و نسبت به بار معنایی الفاظ آگاه بوده و در به‌کارگیری عبارات دقیق است، از عبارت «وجب علی الولی» استفاده نموده که معنایش وجوب تربیت است؛ دوم اینکه ایشان از عبارت «تعلیم مطلق الأهل» استفاده نموده که نسبت به فرزند اطلاق دارد؛ یعنی چه فرزندش باشد و چه نباشد. در این صورت، کلمه «اهل» همسر را نیز شامل می‌شود.

نتیجه

این نوشتار بر اساس این پرسش‌ها شکل گرفت که از نظر شرعی، حکم فقهی تربیت اعتقادی زوجین نسبت به یکدیگر چیست؟ تربیت اعتقادی در این پژوهش، فرایند آموزش اعتقادات به شخص و اقداماتی برای شکل‌دهی به نظام باورها و پذیرش قلبی و التزام درونی از سوی آنهاست. در ثبوت حکم تربیت اعتقادی زوجین چه دلایلی مطرح می‌شود؟

برای ثبوت حکم تربیت اعتقادی زوجین از قواعد فقهی مانند «قاعده هدایت» که بر اساس آن، در مورد زن و شوهر هر کدام در مواردی که علم به احکام ندارد، آگاهی دادن، مقدمه هدایت شمرده می‌شود. در واجبات و محرمات، هدایت رجحان دارد. بر اساس «قاعده ارشاد جاهل»، بر زن و شوهر واجب است تا زمینه تربیت اعتقادی یکدیگر را فراهم کنند. این تکلیف در دیگر موارد اعتقادی، وظیفه استحبابی است.

خطاب عام در «آیه صیانت» نهاد خانواده به‌خصوص زوجین را نیز شامل می‌شود و حکم مستفاد از آن وجوب صیانت از هرچیزی است که موجب وقوع در آتش شود و چون بی‌اعتقادی از اسباب وقوع در آتش است، صیانت از آن بر همسران واجب است. نحوه صیانت، پرورش و ایجاد شوق باورهای اعتقادات دینی است.

حکم تربیت اعتقادی زوجین به صورت متقابل با رویکرد فقه تربیتی □ ۱۰۱

«آیه انذار» دلالت دارد بر این که وقتی به پیامبر با صیغه امر «انذر» خواسته شد که نزدیکیان را به پذیرش اعتقادات هشدار دهد، چون پیامبر الگوی همه مسلمانان است پس بر زنان و مردان مسلمان تربیت در مسائل اعتقادی واجب است. آیه اعانه و دعوت نیز دلیلی بر تربیت اعتقادی زوجین نسبت به یکدیگر است.

در دو روایت (روایت کلکم راع و روایتی که توصیه به تقوا می کند)، مسئولیت افراد نسبت به همدیگر را مطرح می کند که حاکمان و رهبران، مسئول زیردستان و افراد دیگر در جامعه هستند؛ زن و شوهر که اولیای خانواده هستند نیز در قبال تربیت یکدیگر مسئولیت دارند.

در نتیجه، بر زوجین واجب است تا زمینه پذیرش اعتقادات واجب التحصیل و اصول عقاید را برای یکدیگر فراهم کنند. همچنین بر زن و شوهر مستحب است که در تربیت جزئیات عقاید کوشا باشند.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

- ابن ابی فراس، ورام، *مجموعه ورام*، قم، مکتبه الفقیه، ۱۴۱۰ق.
- ابن فارس، احمد بن فارس، *معجم مقاییس اللغة*، قاهره، المکتبه الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۳۰ق.
- ابن اثیر جزری، مبارک بن محمد، *النهاية في غريب الحديث و الاثر*، بیروت، مکتبه العلمیه، ۱۳۹۹ق.
- ابن سینا، حسین بن عبدالله بن علی، *التعلیقات*، بیروت، مکتبه العالم الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ابن منظور، محمد، *لسان العرب*، بیروت، دار صادر، چاپ سوم، ۱۴۱۴ق.
- اعراف، علیرضا، *قواعد فقهی*، قم، مؤسسه اشراق و عرفان، چاپ اول، ۱۳۹۳.
- _____، درس خارج فقه تربیتی، هفت آذر ۱۳۸۶.
- _____، فقه الربیه نظریه‌ای نو در علوم تربیت اسلامی، *مجله معرفت*، ش ۱۰۴، ۱۳۸۸.
- _____، *فقه تربیتی مبانی و پیش فرض ها*، تحقیق و نگارش: سید نقی موسوی، قم، اشراق و عرفان، ۱۳۹۱.
- اعراف، علیرضا، موسوی، سید نقی، «تربیت اعتقادی فرزندان از منظر فقه»؛ *کاوش های نو در فقه اسلامی*، شماره ۲، سال ۲۰، ۱۳۹۲.
- اعراف، علیرضا، تلخایی، مجید، کاظمی، سید عنایت‌الله، «بررسی فقهی قاعده هدایت و کارکرد آن در فقه تربیتی»، *دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات فقه تربیتی*، سال هشتم، شماره ۱۶، ۱۴۰۰ق.
- آقابزرگ تهرانی، محمد محسن؛ *الذریعة الی تصانیف الشیعه*؛ نجف، مطبعة الغری، ۱۳۵۵.
- موسوی بجنوردی، سید محمد حسن، *قواعد الفقهیة*، تهران، مؤسسه عروج، چاپ سوم، ۱۴۰۱.
- بیضاوی، عمر بن محمد، *انوار التنزیل و اسرار التأویل*، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق.
- بهتویی، لاد، «مشارکت و مسئولیت‌پذیری در پرتو فعالیت‌های غیر رسمی»، *نشریه رشد معلم*،

حکم تربیت اعتقادی زوجین به صورت متقابل با رویکرد فقه تربیتی □ ۱۰۳

شماره ۲، ۱۳۸۶.

تبریزی، جواد بن علی، *ارشاد الطالب الی التعلیق علی المکاسب*، ج ۱، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۴۱۶.

تقفی تهرانی، محمد، *تفسیر روان جاوید*، ج ۳، تهران، انتشارات برهان، چاپ سوم، ۱۳۹۸ق.
جعفری لنگرودی، محمدجعفر، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، تهران، گنج دانش، ۱۳۷۸.

جمشیدی، محمدحسین، «حکومت و رعایت؛ درآمدی بر فلسفه سیاسی حکومت در اسلام»،
مجله دانش سیاسی، شماره ۱۰، پاییز و زمستان ۱۳۸۸.

جواد آملی، عبدالله، *حق و تکلیف در اسلام*، قم، اسراء، ۱۳۹۴.

جوهری، ابونصر اسماعیل بن حماد، *الصحاح تاج اللغة و صحاح العربية*، محقق عطار،
احمد عبدالغفور، ج ۲، بیروت، دار العلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷.

حر عاملی، محمد بن حسن، *وسائل الشیعة*، قم، آل البیت، ۱۴۰۹.

حسینی شاه عبدالعظیمی، حسین، *تفسیر اثنی عشری*، ج ۶، تهران، انتشارات میقات، چاپ
اول، ۱۳۶۳.

حسینی زاده، سید علی، *سیره تربیتی پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام، تربیت فرزند*، قم، پژوهشگاه
حوزه و دانشگاه، ۱۳۸۶.

حلبی، محمد، *نساء حول الرسول*، بیروت، دارالمعرفه، چاپ پنجم، ۱۴۲۹ق.

حمیری، نشوان بن سعید، *شمس العلوم*، محقق، مصحح، اریانی، مطهر بن علی، عبدالله،
یوسف محمد، عمری، حسین بن عبدالله، ج ۷، دمشق، دار الفکر، چاپ اول، ۱۴۲۰ق.

خطیب، محمد شحات، *اصول التریة الاسلامیة*، ریاض، دارالخریجی، ۱۴۱۵ق.

(امام) خمینی، سید روح الله، *مکاسب المحرمه*، قم، مؤسسه تنظیم آثار امام خمینی، چاپ
اول، ۱۴۱۵ق.

خوری الشرتونی، سعید، *اقرب الموارد فی فصیح العربیة و الشوارد*، قم، مکتبه آیه الله مرعشی،
۱۴۰۳ق.

خویی، سید ابوالقاسم، *معجم رجال الحدیث*، [بی جا]، نشر توحید، ۱۴۱۳ق.

دهخدا، علی اکبر، *لغت نامه دهخدا*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۱۰۴ □ دوفصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات فقه تربیتی/سال نهم/شماره ۱۸/پاییز وزمستان ۱۴۰۱

- داوودی، محمد، تأملی در هدف تربیت اعتقادی، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی*، س ۴، ش ۹، پاییز وزمستان ۱۳۸۸، صفحات ۴۸-۶۱.
- دیلمی، حسن بن محمد، *ارشاد القلوب*، ترجمه علی سلگی نهاوندی، قم، نشر ناصر، ۱۳۷۶.
- ر. ک: طاهری، حبیب الله، *حقوق مدنی*، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۸ق.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، دارالعلم، ۱۴۰۴ق.
- زمخشری، محمود بن عمر، *مقدمة الأدب*، تهران، مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران، چاپ اول، ۱۳۸۶ ش.
- شهید ثانی، زین الدین بن علی، *منیة المرید*، قم، مکتب الإعلام اسلامی، ۱۴۰۹ق.
- صدر المتألهین، محمد بن ابراهیم قوام شیرازی، *الحکمة المتعالیه*، بیروت، دار احیاء التراث، چاپ سوم، ۱۹۸۱.
- صدر، سید محمدباقر، *خلافت انسان و گواهی پیامبران*، ترجمه سید جمال موسوی، تهران، انتشارات روزبه، ۱۳۵۹.
- طباطبایی، سید محمدحسین، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، جامعه مدرسین قم، ۱۳۷۴.
- _____، *سنن النبی*، تحقیق محمدهادی فقیهی، قم، جامعه مدرسین قم، ۱۴۱۶ق.
- طبری، محمد بن جریر، *تاریخ الامم و الملوک*، بیروت، دارالقاموس الحدیث، [بی تا].
- (شیخ) طوسی، محمد بن حسن، *العدة فی اصول الفقه*، قم، تیزهوش، ۱۴۱۷ق.
- _____، *الفهرست*، تحقیق: جواد قیومی، قم، نشر الفقهه، ۱۴۱۷ق.
- _____، *اختیار معرفة الرجال (رجال کشی)*، قم، مؤسسه آل البيت، ۱۴۰۱ق.
- طیب، سید عبدالحسین، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، انتشارات اسلام، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- عمید، حسن، *فرهنگ فارسی*، تهران، امیرکبیر، چاپ بیست و دوم، ۱۳۶۲.
- فقیهی، علی نقی، «نگاه تربیتی به روابط عاطفی زوجین در آموزه‌های دینی»، *دو فصلنامه علمی-پژوهشی تربیت اسلامی*، س ۸، ش ۱۷، پاییز وزمستان ۱۳۹۲.
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی؛ *المحجة البیضاء فی تهذیب الحیاء*؛ تصحیح علی اکبر غفاری؛ بیروت، مؤسسه اعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۳ق.
- فیومی، احمد بن محمد، *المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی*، قم، مؤسسه دار

الهجرة، چاپ دوم، ۱۴۱۴ق.

کلینی، ابوجعفر محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۳۶۵.

گرچی، ابوالقاسم، *مجموعه مقالات حقوقی*، تهران، دانشگاه تهران، چاپ سوم، ۱۳۷۸.

محمدپور، حسن، ملک افضلی، محسن، بناری، علی همت، *فصلنامه علمی مطالعات فقه*

تربیتی، سال هفتم، شماره ۱۴، پاییز و زمستان، ۱۳۹۹.

محمدی ری شهری، محمد، *تحکیم خانواده از نگاه قرآن و حدیث*، ترجمه حمیدرضا

شیخی، قم، انتشارات دارالحدیث، ۱۳۸۷.

مجلسی، محمدباقر، *بحار الانوار*، بیروت، مؤسسه الوفا، ۱۴۰۳ق.

مراغی، احمد مصطفی، *تفسیر المراغی*، بیروت، دار الاحیاء التراث، [بی تا].

مصباح یزدی، محمدتقی، *فلسفه اخلاق*، تحقیق و نگارش: شریفی، احمدحسین، تهران،

سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل، ۱۳۸۰.

مصباح، مجتبی، *بنیاد اخلاق*، قم، مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی علیه السلام، چاپ پنجم، ۱۳۸۷.

مصطفوی، حسن، *التحقیق فی کلمات قرآن الکریم*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی،

چاپ اول، ۱۲۶۸.

مطهری، مرتضی، *بیست گفتار*، تهران، صدرا، ۱۳۶۸.

_____، *مجموعه آثار*، قم، صدرا، ۱۳۸۳.

معین، محمد، *فرهنگ فارسی معین*، تهران، فرهنگ نما، ۱۳۷۱.

مقیمی، ابوالقاسم، *درس خارج فقه تربیت*، ۱۳۹۹.

مکارم شیرازی، ناصر، *اخلاق در قرآن*، قم، مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۳۷۷.

مودودی، ابوالاعلی بن احمد حسن، *المصطلحات الاربعه فی القرآن*، دمشق، [بی تا]، ۱۲۶۰.

نجاشی، احمد بن علی، *فهرست اسماء مصنفی الشیعه (رجال نجاشی)*، تحقیق موسی

شیرازی زنجانی، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۳۶۵ ش.

نجفی جواهری، محمدحسن، *جواهر الکلام فی شرح شرایع اسلام*، بیروت، دار احیاء التراث

العربی، چاپ هفتم، ۱۳۶۲.